

همان، هنر و ادب

حسن فرزانه



صد و بیست و پنجمین سالروز مرگ ون گوگ



به مناسبت صد و بیست و پنجمین سالروز مرگ ون گوگ، موزه‌هایی در غرب ماساچوست، نیویورک، و پیتسبورگ به پیروی از موزه‌های همتای اروپایی خود، آثاری از این نقاش برجسته را از ماه جولای به نمایش گذاشتند.

مهمترین نمایشگاه از آثار این نابغه در آمریکا، در کلارک آرت انستیتو، در ویلیامزتان ماساچوست، به نام «ون گوگ و طبیعت» از ماه جولای برقرار شد که تا ۱۳ ماه سپتامبر سال جاری ادامه خواهد داشت. موزه هنر متروپولیتن نیویورک نیز چهار تابلو از ون گوگ را که دو تایی آن «زنبق‌ها» و دو تایی دیگر «گل سرخ‌ها» نام دارد و ون گوگ آن‌ها را چندی پیش از مرگش در سال ۱۸۹۰ کشیده بود، به نمایش گذاشته است. این نمایشگاه تا اواخر ماه آگوست ادامه خواهد داشت.

موزه هنر کارنگی در پیتسبورگ سه اثر از ون گوگ را در برنامه نمایش آثار ون گوگ گنجانده بود که از آن جمله بودند دو اثر «طبیعت بی جان» و «سبد سیب‌ها». این نمایشگاه در اواخر ماه جولای پایان یافت.

ون گوگ زندگی آشفته و پرفراز و فرودی داشت. شاید هم این افت و خیزها باعث پدید آمدن آثاری اصیل و ماندگار شد بطوری که نام ون گوگ را در ردیف بزرگترین نقاشان جهان ماندگار کرد.

«جین ایر» به عنوان داستان یک مهاجر



نخستین رُمان پاتریسیا پارک به نام «Re Jane» بازگویی داستان «جین ایر» اثر شارلوت برونته، یکی از داستان‌های عاشقانه و محبوب گوتیک دوران ویکتوریا، است. محل وقوع حوادث این داستان به نیویورک و کره جنوبی انتقال یافته است. زمان آن نیز اوایل سال ۲۰۰۰ میلادی است. ری جین، قهرمان زن داستان، دخترک یتیمی است که هویتی کره ای - آمریکایی دارد. ری جین با خانواده

عمویش در یکی از محله‌های نیویورک به نام محله کوئینز زندگی

می‌کند؛ محله‌ای که ساکنانش کره‌ای هستند و آداب و رسوم کره‌ای‌ها را کاملاً رعایت می‌کنند. ری جین وقتی که از کالج فارغ التحصیل می‌شود، رؤیای شغلی را که در نظر دارد تحقق نمی‌یابد و برای گریز از محله کوئینز و دکان بقالی عمویش، زبان آموز سرخانه در بروکلین می‌شود.

اد فارلی و همسرش بت میز که او را به خدمت خود در آورده اند، هر دو، استاد زبان انگلیسی هستند که با دختر چینی که به فرزند پذیرفته‌اند، زندگی می‌کنند. اد همانطور که ممکن است تصور کنید، جوانمردی فکور است که از نظر ری جین بیست و دوساله، جذاب می‌نماید. اد در زیر سایه همسر مسن‌تر و خود محوری زندگی می‌کند که پژوهشگر و طرفدار حقوق و آزادی‌های زنان است و با کتاب‌هایی که نوشته از شهرت و محبوبیت خاصی نیز برخوردار است. او وظیفه خود می‌داند تعلیم و تربیت ری جین را به عهده بگیرد و تجارب گرانبهای خود را با او تقسیم کند. دفتر کارش هم در اتاق کوچکی زیر شیروانی خانه شان است.

جین با اینکه در آغاز مطیع اد و بت است و هر چه از دستش بر می‌آید برای آنها انجام می‌دهد ولی به عنوان دختری نوجوان ذهنی مغشوش دارد و در جست و جوی هویت اصلی خویش تقلا می‌کند. دنبال کردن سفر جین و آنچه بر او می‌گذرد، که در عین حال آمیخته به طنز و احساسات عاشقانه است، لذت و رضایت خواننده را فراهم می‌آورد.

پاتریسیا پارک نویسنده این رمان، مانند جین، دختر یک مهاجر کره‌ای است که در محله کوئینز بزرگ شده است. او که در حال حاضر در بروکلین بسر می‌برد، فوق لیسانس خود را از دانشگاه بوستون در رشته داستان نویسی گرفته و به نوشتن و تدریس در این زمینه ادامه داده است. پارکر درباره اولین رُمان خود می‌گوید: «من در خانواده‌ای اهل کره در محله کوئینز زاده و بزرگ شدم. در کلاس ششم به رمان

«جین ایر» برخورددم که با خواندنش متعجب و غافلگیر شدم. اولین بار بود که می‌دیدم یک قهرمان زن که خودش را «تهیدست، گمنام، ساده و کوچک» توصیف می‌کند اینقدر مورد توجه قرار می‌گیرد. او با شخصیت شاهزاده خانمی که دیزنی ارائه می‌کند تفاوت بسیار داشت. از آنجا که در خانواده‌ای کره‌ای با محدودیت و تحت کنترل بزرگ شده بودم، احساس کردم که زندگی‌م تشابهات زیادی به زندگی پُر محدودیت و محافظه کارانه جین ایر در دوران ویکتوریا دارد. در کودکی که گاهی بدرفتاری می‌کردم، مادرم با آن انگلیسی شکسته خود می‌گفت «تو مثل یک کودک یتیم رفتار می‌کنی»، دریافتم که تصور پس از جنگ کره‌ای‌ها از کلمه یتیم، یعنی بدکار، بازیگوش، و تا حدی بی‌شرم؛ کسی که تعلیم و تربیت خانوادگی ندیده بود. زمانی که دوباره در مطالعات دانشگاهی به جین ایر برخورددم، دیدم خیلی از این صفت‌ها به جین ایر نسبت داده می‌شد.

فکر می‌کنم جین ایر از این نظر اینقدر محبوبیت دارد که زنی مستقل و جلوتر از زمانش بود و در عین حال بخشی از زمان خود محسوب می‌شد. امیدوارم هرکس که خود را در وضعی نامناسب می‌بیند بتواند چیزی در این رمان بیابد و خود را از مهلکه بی‌هویتی به در آورد.»



نامه‌های سیمین دانشور و جلال آل احمد

حتی برای این نامه‌ها صفت سفرنامه را می‌توان قائل شد. نکته اصلی نامه‌ها سبک نوشتاری و طرز جمله‌بندی‌ها است که محاوره‌ای نوشته شده: «امروز، روز یکشنبه ۹ نوامبر است. خدای من، دو ماه و نه روز است که از تو دورم. صبح دیر پا شدم و بعد رفتم ناهار خوردم...» همچنین اصطلاحات عامیانه در آنها به چشم می‌خورد، بخصوص اصطلاحات مربوط به لهجه شیرازی؛ «قول می‌دهم ایران که بیایم همان سیاه سوخته شیرازی تو باشم و چنان دور و برت پر بخورم (چرخ بخورم) که خودت بگویی بس است.» (۱۷ اکتبر / ۲۵ مهر) یا در جای دیگر آورده: «آنقدر خودوکی نباش (خودخور نباش).»

هیچ قیدی از لحاظ پاراگراف بندی و نشانه گذاری در آنها وجود ندارد و به دلیل آشنایی دانشور با زبان انگلیسی گاهی از لغات انگلیسی هم استفاده می‌کند. ذکر دقیق جزئیات و حالات و بیان تمام اتفاقاتی که در دانشگاه و بیرون از آن افتاده است، ذکر دقیق ساعت رسیدن به مکان‌ها، حتی میزان پولی که به تاکسی پرداخت می‌کرده، تعداد و رنگ لباس‌هایی که می‌خریده، نام افرادی که برای شام دعوت کرده، نوع غذا، نمره‌هایی که از دروس مختلف می‌گرفته، نمایشنامه‌هایی که مطالعه می‌کرده و برخوردی که با افراد مختلف در مکان‌های مختلف داشته، نکاتی است که دانشور در نامه‌هایش به آنها پرداخته: «در فرودگاه هشت دلار از من پول گرفتند.

نفهمیدم به چه مناسبت و اوقاتم تلخ شد.» (۵ سپتامبر / ۱۴ شهریور)

یا: «طاق من طبقه هشتم یعنی طاق شماره ۸۰۲ است و بنابراین این ساختمان ۱۲۰۰ الی ۱۳۰۰ طاق دارد.» (۷ سپتامبر / ۱۶ شهریور)

یا: «زن سیاهی مامور آسانسور ماست. روزی هشت ساعت کار می‌کند و هشت دلار هم می‌گیرد، یعنی ماهی ۲۴۰ دلار.»

نکته قابل توجه، سفر یک ایرانی با وضعیت و شرایط آن سال به آمریکا است.

نامه‌های سیمین دانشور و جلال آل احمد اخیراً در سه جلد با تدوین و تنظیم مسعود جعفری جوزی از سوی انتشارات نیلوفر منتشر شده است. «سالشمار زندگی و آثار سیمین دانشور، نگاهی کوتاه به زندگی و آثارش، متن نامه‌ها، ضمیمه‌ها و تصاویر» عنوان برخی فصل‌های کتاب را در بر می‌گیرد. دو جلد از کتاب شامل نامه‌های این زن و شوهر به هم در سفر آمریکای دانشور است. جلد سوم این کتاب شامل هشتاد نامه است که جلال برای سیمین دانشور، زمانی که او با بورسیه فولبرایت در سال ۱۳۳۱ برای تحصیل در زمینه داستان نویسی و زیبایی شناسی به دانشگاه استنفورد آمریکا می‌رود، نوشته است و این در حالی است که نزدیک به دو سال از ازدواج آنها گذشته و تنها راه ارتباطی آنان نامه نوشتن، آن هم با وضعیت پستی دهه چهل است. جلال در خلال نامه‌ها علت تداوم چنین مجرای ارتباطی را «وصل کردن آینده به گذشته، تاب آوردن در تنهایی، وفاداری نسبت به هم و ایده آل سازی از موجود واقعی طرف خودمان» عنوان می‌کند. دکتر مسعود جعفری جوزی در آغاز کتاب این پرسش را مطرح کرده است که چه لزومی دارد نامه‌هایی که بین دو نفر نوشته شده و احتمالاً دارای جنبه‌های شخصی و خصوصی است تبدیل به کتاب شود و در دسترس همگان قرار گیرد؟ پاسخ آن است که چاپ نامه‌ها بستگی به نوع آنها و نویسنده آنها دارد. این نامه‌ها که مربوط به دو شخصیت نویسنده است علاوه بر جنبه‌های خصوصی و زناشویی زندگی آنها شامل اطلاعات سیاسی، اجتماعی و ادبی عصر خودشان نیز هست. در مورد این نامه‌ها شاید گذاشتن نام یادداشت روزانه به جای نامه صحیح‌تر باشد چون گویی نویسنده، نوشته‌ها را از خود و برای خود، با ذکر تاریخ دقیق آن نوشته یا

نمایشنامه هری پاتر و فرزند نفرین شده

«هری پاتر و فرزند نفرین شده» نمایشنامه جدیدی است در باره محبوبترین پسر جادوگر دنیا. کی. جی. رولینگ اعلام کرده است که این نمایشنامه قرار است در سال ۲۰۱۶ در لندن به روی صحنه تئاتر اجرا شود. این خبر، پیش از این، در سال ۲۰۱۳ نیز اعلام شده بود ولی نمایشنامه نه نامی داشت و نه کارگردانی برای آن در نظر گرفته شده بود. با این حال، این اولین بار است که رولینگ خبر قطعی و دقیق روی صحنه آمدن آن را برای علاقه مندان آثار خود اعلام کرده است. رولینگ می گوید: «من بیش از این نمی خواهم در باره این نمایشنامه و محتوای آن صحبت کنم چون هر توضیح مشروحو حس کنجکاوی علاقه مندان آثارم را از میان می برد و داستان را ضایع خواهد کرد. نمی خواهم چیزی را آشکار کنم و لذت طرفدارانم را از بین ببرم. این نمایشنامه سوری واقعی برای علاقه مندان داستان های هری پاتر است. تنها چیزی که می توانم در باره این نمایشنامه بگویم این است که یک پیش داستان از ماجراهای هری پاتر نیست بلکه بخش ناگفته ای از داستان هری پاتر است که به صورت نمایشنامه در آمده است چون این بهترین وسیله برای گفتن این داستان بود.» رولینگ این نمایشنامه را با همکاری جک تورن نمایشنامه نویس نوشته است و جان تیفانی کارگردانی آن را بر عهده دارد.

اظهار شگفتی ها و گاه توصیفات می کند بسیار جالب است. همچنین مقایسه عواطف غربی ها و شرقی ها در جای جای نامه ها به چشم می خورد: «چند روز پیش سر کلاس دختری حالش به هم خورد. شب قهوه زیاد خورده بود و بیداری کشیده بود. سناریو را نوشته و صبح سر کلاس نتوانست سرپا بند شود و حالش به هم خورد. از کلاس بیرون رفت و هیچ کس هم نپرسید خرت به چند؟ کلاس تمام نشده من رفتم و از او پرسیدم چته؟ و دستش را در دست گرفتم و ... او مهر و محبت ایرانی را همیشه همراه دارد و این حس در وجود زری یکی از شخصیت های اصلی سووشون هم نمودار می شود: «زری مدام نگران خسرو (تنها پسرش) و دوقلوهای خود است؛ هنوز یک ساعت نگذشته دلش شور بچه ها را می زد که نکند از مادیان پرت شده باشند، نکند در این روز پر آفتاب گرما زده شوند.» در نامه هایی از این کتاب می خوانیم:

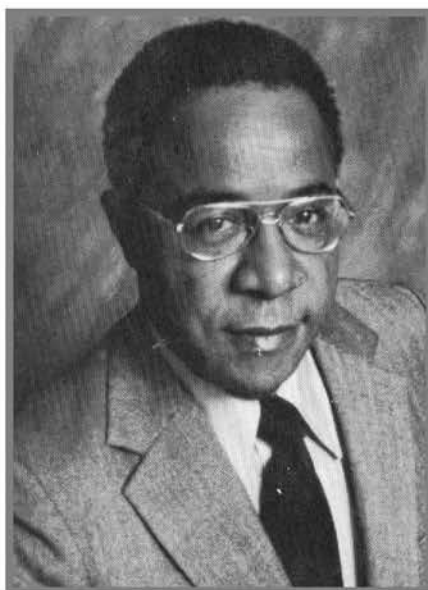
«جلال عزیزم دبروز دومین کاغذت واقعاً پریشانم کرد... حالا یادم می آید که تو بعضی وقت ها حال روحی خاصی پیدا می کردی و ناگزیر می شدی از خانه بیرون بیایی که نکند با هم دعوایمان بشود... یادت می آید پارسال هر دومان چه الم شنگه ای راه انداختیم. باور کن من هنوز خجالت می کشم. اکنون بگذار کمی از هم دور باشیم و بعد نمی دانی در کنار هم بودن چه لذتی دارد.» «می دانی چطوری است سیمین جان؟ از کاغذهایت - گرچه چیزی نمی نویسی - پیداست که تو هم حال مرا داری، ولی این هم هست که برای غصه های تو مفری و یا مفرهایی هم هست که جلب توجهت را می کند و نمی گذارد زیاد ناراحت باشی؛ و اینقدر دیدنی هست که خیلی چیزها را از یادت می برد. از کاغذهایت پیداست. خودت نوشته بودی که حالت «بهتر از آن است که متوقع بودی.» بدان که بهتر هم خواهد شد. اگر به مناسبتی، دو سطر یاد هندوستان بی بو و بی خاصیت من می افتی، دو سطر بعد مشاهدات جالب خودت را می نویسی؛ و همین انصراف خاطر اجباری خودش بزرگترین کمک ها را به تو می تواند بکند... هیچ می دانی که یک همچو سفری تو را چقدر کامل خواهد کرد؟ من بدبخت که اینجا بالاخره ماندنی شدم ولی اصلاً تو بگذار چشم هایت از دنیا پر بشود. آدم هر چه بیشتر ببیند و بیشتر بشنود و بیشتر تجربه کند، بیشتر عمر کرده است.» «جلال عزیزم، دیشب کاغذت رسید که روغن چراغدان زندگی من است. کاغذی بود که به علت نداشتن سیگار در یک قسمتش آنقدر عجله و اشتلم کرده بودی که درست نفهمیدم. سرم هم داد زده بودی. نوشته بودی مگر من بچه هستم که آرد می دهی پالتو و لباس یخ. خوب ما غلط کردیم. عزیز دلم کاغذ به انتها رسید و عرضی ندارم. عصر دانشکده دارم و این کاغذ را از پست دانشگاه پست می کنم بعد می روم عقب داریوش و شمس و اسلام و می آورمشان بالا. قربانت - شیرازی سیاه سوخته ات.» «کاغذ افسرده ات رسید. در حالی که افسردگی و ملال را نباید جدی گرفت. محلش نگذار خودش می گذرد. اتفاق مهمی نیفتاده. تازه به کل که حقوق تو را قطع کنند، قناعت می کنیم و تو همیشه بلد بوده ای از صفر شروع کنی ... ایرانی های اینجا، صدمین نفری که من دیدم و آرزوی یک روز زندگی در ایران را دارند، آنقدر غربت زده اند و آنقدر بی سر و سامان که نپرس. هر روز در یک شهر و هر سال در یک دانشگاه و همیشه دلهره پول کم آوردن. به تو که رسیدم تا یک سال حرف دارم که برایت بزنم ...» این نامه ها بخشی از ادبیات فارسی است که برای پژوهشگران آثار ادبی و زندگینامه نویسان ارزشی فوق العاده دارد. کوشش دکتر مسعود جعفری جوزی در تدوین و تنظیم آنها بسیار ستودنی است.



«ریشه‌ها» ی الکس هیلی دوباره روی صفحه تلویزیون زنده می شود

هیلی اولین نویسنده سیاهپوست آمریکایی، رشته تبار خود را که از آمریکا به آفریقا وصل می شد، با موفقیت دنبال کرد و با تلفیق عناصر واقعی و خیالی داستانی نوشت که از محبوبترین رمان های آمریکایی محسوب می شود. موفقیت این رمان باعث شد بر اساس آن دو سریال تلویزیونی، یکی به نام «ریشه‌ها» و دیگری موسوم به «ریشه‌ها: نسل آینده» ساخته شود. این سریال ها تأثیر بسزا و فوق العاده ای بر روابط نژادی در آمریکا گذاشت بطوری که نمایش آنها از تلویزیون در سال ۱۹۷۷ بیش از صد میلیون تماشاگر را به خود جلب کرد.

حالا پس از گذشت بیش از سه دهه، قرار است سریال تازه ای بر اساس این رمان ساخته شود. در این سریال هنرپیشه مشهور، لورنس فیشبورن در نقش الکس هیلی ظاهر خواهد شد. هنوز اعلام نشده که سناریو جدید را چه کسی خواهد نوشت یا آن را کدام کارگردان خواهد ساخت ولی شبکه تلویزیونی آمریکایی A&E اعلام کرده است که از هم اکنون تحقیقات دقیقی در باره دوران بردگی که این رمان توصیف می کند، آغاز شده و کوشش بر این است تا با توجه به دگرگونی های اخیر جامعه آمریکایی در نگرش به مسائل نژادی و سیاسی اجتماعی، این زمان با ارزش به صورت یک برنامه آموزنده و در عین حال سرگرم کننده به تماشاگران ارائه شود.



آمریکایی «پدید آمد. این زمان زمانی انتشار یافت که هیلی ۵۵ سال داشت. رمان داستان یک برده آفریقایی را باز می گوید که ارزش فوق العاده ای برای میراث فرهنگی و نژادی خود قائل است و هرگز راه و رسم زندگی صاحب خود را نمی پذیرد و اصرار دارد که به نام خود کینته خوانده شود، نه نام توبی که حکایت از بردگی اش دارد. «ریشه‌ها» طی دو سال که از انتشارش گذشت، علاوه بر ربودن جایزه ویژه پولیتزر در سال ۱۹۷۷، به دریافت ۲۶۷ جایزه دیگر نائل آمد.

الکس هیلی، نویسنده سیاهپوست آمریکایی، بخاطر رمان تاریخی اش به نام «ریشه‌ها: داستان یک خانواده آمریکایی» از شهرت و محبوبیت زیادی در آمریکا برخوردار است. هیلی در اینتاکا، نیویورک، به دنیا آمد و در شهر کوچک هنینگ، در تنسی، در حالی که پدر و مادرش به تحصیلات خود ادامه می دادند، بزرگ شد. در این شهر کوچک بود که مادر بزرگ و دیگر بستگانش برای اولین بار داستان تبار آفریقایی او، کانتا کینته را برای الکس خردسال باز گفتند. هیلی شاگرد موفق در مدرسه یا دانشگاه نبود. در ۱۸ سالگی به استخدام گارد سواحل آمریکا در آمد و ضمن آن مقاله های بسیاری برای روزنامه ها و مجله های آمریکایی نوشت. پس از بیست سال خدمت بازنشسته شد. در این هنگام، تصمیم گرفت زندگی خود را یکسره وقف نویسندگی کند؛ به همین جهت به نیویورک کوچ کرد. در سال های بعد با فعال سیاسی، مالکوم ایکس، خودزندگینامه او را نوشت که در سال ۱۹۶۵، چندی پیش از آنکه مالکوم ایکس به قتل رسد، منتشر شد و موفقیت زیادی یافت. چندی نگذشت که هیلی در بحبوحه جنبش حقوق مدنی آمریکا به تحقیق در باره پیشینه خانوادگی خود پرداخت. دوازده سالی به طول انجامید تا از بطن این تحقیق، رمان «ریشه‌ها: داستان یک خانواده

رمان جدید ئی. ال. جیمز بیش از یک میلیون نسخه فروش رفت



عاشقانه ای برقراری کند، بازگو کرده بود. زمان سه گانه جیمز به نام های Fifty Shades of Grey، Fifty Shades Darker و Fifty Shades Freed که اخیراً چاپ و منتشر شده است، بیش از ۱۲۵ میلیون نسخه از آنها فروش رفته و به ۵۰ زبان دیگر ترجمه شده است. فیلمی هم که بر اساس اولین رمان ساخته شده و در ماه فوریه سال جاری به نمایش در آمد، ۵۷۰ میلیون دلار در سراسر جهان فروش داشته است.

ئی. ال جیمز زمان تازه ای نوشته است با این تفاوت که داستان Fifty Shades of Grey را این بار از دید کریس شن گری بازگو می کند. نام این رمان که Grey: Fifty Shades of Grey است ماه گذشته به وسیله نشر وینتیج منتشر شد. از این کتاب بیش از یک میلیون نسخه در اولین چهار روز انتشار خود فروش رفت. جیمز داستان سه گانه اصلی را از دید آناستاسیا استیل، دانشجویی که با گری رابطه